

از حکیمی پرسیدند: تربیت از چه زمانی آغاز می‌شود؟ پاسخ داد: بیست سال قبل از تولد، و اگر این مدت کافی نباشد باید بر آن افزود.

آری واقع امر این است که فرایند تربیت به معنای اخص آن سالها قبل از تولد فرزند آغاز می‌گردد.

هر کودکی که پای به عرصه وجود می‌گذارد و چشم به تماشای جهان هستی می‌گشاید، تیریک خالق کمال آفرین بدرقه راهش می‌شود.^۱ این کودک خود بالقوه پدر است و مادر. پس برنامه‌های جامع تربیتی او می‌بایست متضمن اندیشه‌های پدرپروری و مادر پروری نیز باشد. به دیگر سخن کودکان و نوجوانان امروز و پدران و مادران فردا می‌باید در دوران رشد و تحول خود قابلیت‌های همسری، پدری و مادری را نیز کسب کنند. از همین رو یکی از ملاکهای ازدواج و همسرگزینی در کنار در نظر گرفتن مراتب: متقی، صالح،^۲ طیب،^۳ و کفو بودن زوجین، توجه به قابلیت‌های همسری و پدری و مادری طرفین است.

"کودک"

و

اندیشه‌های

تربیتی

پدر و مادر

دکتر غلامعلی افروز



کودک مربوط می‌شود.

مادران و پدران، به ویژه زوجهای جوان نیک می‌دانند یا باید بدانند که دوران زندگی قبل از تولد کودک از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده برخوردار است. این دوره از مهمترین دوره‌های تربیتی به معنای دقیق آن است، زیرا هر روز و لحظه‌اش در زندگی بعد از تولد کودک نقش جدی دارد. در اینجا برای جلب توجه هرچه بیشتر پدران و مادران، به برخی از ویژگیهای جنین اشاره می‌کنیم و امید آن داریم که همواره با دید و اندیشهٔ تربیتی به زندگی جنین و حیات کودک قبل از تولد بنگریم.

فرایند تکوین جنین

شکل‌گیری "مغز" جنین با ظرافت و شگفتی خاص صورت می‌پذیرد. مغزی که مرکز تفکر و منبع تراوش فکر و اندیشه است و می‌تواند بستر هوشمندها، شکوفایی استعدادها، خلاقیتها و نوآوریها باشد.

تکوین ساختمان کلی مغز انسان از همان نخستین روزهای تشکیل نطفه آغاز می‌گردد و در حدود ۱۸ تا ۲۰ سالگی تکامل یافته، پایان می‌پذیرد. با این که وزن متوسط مغز نوزاد به هنگام تولد ۲۵ درصد وزن مغز انسان بالغ است، اما باید توجه داشت که پس از تولد، سلولهای عصبی جدیدی در مغز تولید نمی‌شود، و افزایش حجم و وزن مغز به خاطر بزرگ شدن اندازهٔ سلولها، میلینه شدن تارهای عصبی و افزایش تعداد سیناپسها و بالطبع گستردگی شبکهٔ ارتباط عصبی است. بنابراین بایسته آن است که بیشترین توجه محققان، بالاختص والدین به مسئلهٔ شکل‌گیری و رشد مغز و فعالیتهای آن در دوران جنینی و ضرورتهای مربوط به تغذیهٔ مناسب و سلامت و آرامش مادران باردار معطوف گردد.

تاکنون مطالعات فراوانی دربارهٔ رشد مغز، تکوین دستگاه عصبی و مراحل تحول هوش و کنشهای شناختی کودکان و نوجوانان در دوره‌های

بنابراین فرزندانمان را از همان دوران اولیهٔ زندگی با ارائهٔ الگوهای موفق، با دنیای بزرگسالان آشنا کنیم و آنها را با تجارب خوشایندی از محسور بودن با بزرگسالانی همچون پدر و مادر، برای پذیرش مسؤولیت همسری و پدری و مادری آماده نماییم.

از آنجاکه انتخاب همسر و امر ازدواج از نظر تربیتی بسیار مهم و تعیین کننده می‌باشد، شایسته است هر آن کس که به داشتن فرزند سالم، صالح و هوشمند می‌اندیشد، در انتخاب همسر همراه برای زندگی مشترک و نیل به فلاح، این اندیشهٔ تربیتی را نیز ملحوظ دارد.

پس از ازدواج، هنگامهٔ تشکیل نطفه و آغاز حیات جنینی فرزند نیز در سلامت و تکوین شخصیت وی فوق‌العاده مهم است.

حقیقت جویان موحد و بندگان بیدار دل خداوند رحمان، پس از ازدواج بیش از هرچیز اندیشه‌های تربیتی و آرمانی خویش را در فرزندآوری مد نظر قرار می‌دهند، آنجاکه می‌گویند: "پوردرگارا از همسران و ذریهٔ ما فرزندان به ما عطا فرما که مایهٔ روشنی چشم ما باشند" و ما را الگو و پیشوای متقیان قرار بده.

آری فرزند آوری در تفکر اسلامی، متضمن دعا و نیایش، برنامه‌ریزی و برخورداری از اندیشهٔ تربیتی و کمال طلبی است. براسستی آنان که در اندیشهٔ تربیت و پرورش فرزندان با کمال و روشنی‌بخش حیات دنیوی و اخروی هستند، لحظه‌ای در غفلت به سر نبرده، از همان روزهای نخستین تشکیل نطفه در اندیشهٔ بهترین شرایط و مناسب‌ترین بستر برای شکل‌گیری نطفه و تکوین جنین می‌باشند.^۵

پدران و مادران فهیم و آگاه در دوران بارداری و حیات جنینی فرزند نیز هرگز از اندیشه‌های تربیتی غافل نخواهند بود. چراکه درصد قابل توجهی از عوامل تعیین کننده در سلامت و هوشمندی و یا معلولیت و عقب ماندگی ذهنی و ناسازگاری عاطفی فرزند به دورهٔ بارداری و زندگی جنینی

اذان و در گوش چپش اقامه گفته شود، همه اینها حکایت از بینش عمیق اولیای حق نسبت به حیات هوشمندانه کودک قبل از تولد و عوامل مؤثر در تکوین شخصیت وی در مراحل رشد و زندگی درون رحمی و پس از آن دارد.

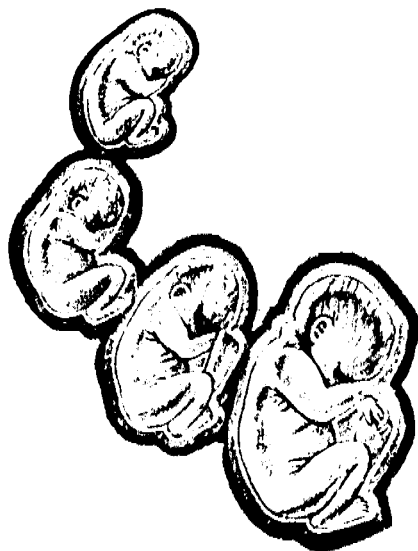
واقع امر این است که جنین بخصوص در ماههای آخر رشد درون رحمی خود صرفاً یک موجود منفعل و وابسته محض به مادر نیست، بلکه به عنوان یک انسان به گونه‌ای از هویت و شخصیت مستقل برخوردار است.

توان فوق‌العاده نوزادان در برقراری ارتباط اجتماعی در ماههای آغازین زندگی بعد از تولد، تشخیص صدای مادر در بین صداهای مختلف و حساسیت نشان دادن به آن، خودگویای آن است که آنها بخشی از جنین توان و تجربه ارتباطی (یادگیری) را قبل از تولد کسب کرده‌اند.

خانم دکتر انجیل^۶ (۱۹۹۴) استاد برجسته زبان‌شناسی، در تحقیقات وسیع خود در زمینه تحول زبان در کودکان به این نتیجه می‌رسد که بچه‌ها از همان ماههای اول تولد به گونه‌ای از قدرت ارتباطی برخوردارند. به سخن دیگر کودکان در دوران زندگی جنینی قادر بوده‌اند که با دنیای خارج از رحم در ارتباط باشند و اطلاعات مؤثری را در حافظه خود نگاهدارند.

برخی از یافته‌های تحقیقاتی بیانگر این حقیقت است که بچه‌ها در داخل رحم به طور محسوس نیاز خودشان را به ارتباط با جهان خارج از رحم و بخصوص مادر، نشان می‌دهند (انجیل ۱۹۸۸). از همین رو مادران بارداری که جنین خود را نوازش می‌کنند و با جنین خود سخن می‌گویند، وقتی که فرزندانشان پا به دنیای جدید می‌گذارند، خیلی زود با آنها مانوس شده، احساس غریبگی نمی‌کنند.

همه پدرها و مادرها دوست دارند که فرزندان سالم، صالح، هوشمند و توانا داشته باشند. همه والدین مایلند به مؤثرترین شیوه‌های تربیتی آشنا شوند و فرزندان خود را به شایستگی تربیت کنند. همه خانواده‌ها دوست دارند به نیکی بدانند که از چه



مختلف رشد انجام پذیرفته و کتب و مقالات ارزنده‌ای در این زمینه منتشر شده است. لیکن دانش ما در حوزه زندگی درون رحمی کودکان و نحوه تکامل مغز و کنشهای ذهنی و حسی آنها بسیار ناچیز و درعین حال فوق‌العاده ارزشمند و سرنوشت سازاست. در حقیقت عمر مطالعات مربوط به حیات هوشمندانه کودکان قبل از تولد، قدمت چندانی ندارد.

در جامعه اسلامی ما بسیاری از دانسته‌های خانواده‌ها در مورد کنشها و واکنشهای حیات درون رحمی کودکان عمدتاً مبتنی بر اطلاعات عمومی، تجارب پراکنده فردی مادران باردار و یا برداشتهای حاصل از زندگی، توصیه‌ها و روایات مکتوب در کتب اسلامی از بعضی معصومین علیهم‌السلام است. بطور مثال وقتی که با خواندن روایتی آگاه می‌شویم که حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها زمانی که باردار بودند در بسیاری از مواقع با جنین خود سخن می‌گفتند، یا زمانی که متوجه می‌شویم در متون اسلامی توصیه شده است که مادران باردار قرآن بخوانند و به صدای ملکوتی قرآن گوش فرا بدهند، و یا آن‌گاه که درمی‌یابیم به فرموده معصوم علیه‌السلام به هنگام تولد فرزند در گوش راست او

خود را نشان می‌دهد. مثلاً وقتی که مادر کف پای جنین را لمس می‌کند، جنین پای خود را جمع کرده، و سعی می‌کند خودش را به طرف دیگر بکشد (والمن و پیرسون^۹ ۱۹۸۰). در هر حال در حدود چهار ماهگی زندگی رحمی، عضلات جنین از هماهنگی بیشتری برخوردار می‌شود و کنشهای حرکتی جنین به طور محسوسی ادامه می‌یابد.

حساسیت جنین نسبت به تماس

بررسی‌های دقیق علمی نشان می‌دهد که در حدود ۱۱ هفته‌گی زندگی رحمی، جنین به تماسهای خارجی واکنش نشان می‌دهد و علائم محسوسی در چهره‌اش نمایان می‌گردد. به عبارت دیگر زمانی که مادر جنین را با دست نوازش می‌کند، تأثیر چنین نوازشی در چهره متفاوت جنین قابل مشاهده است. در حدود ۱۲ هفته‌گی وقتی که به انتهای انگشت شست جنین فشار آورده شود، جنین انگشتان دست و شست خود را می‌بندد و دهان خود را باز می‌کند (والمن و پیرسون ۱۹۸۰). این گونه واکنشها، توجیه منطقی و قابل قبولی برای رفتار نوازشگرانه والدین نسبت به جنین، از همان ماههای نخستین بارداری است.

جنین و کنشهای شنوایی

غالب رفتارهای ما بر پایه یادگیری استوار است و فرایند اولیه یادگیری به ویژه زبان آموزی و تکوین مراحل نخستین شخصیت، عمدتاً براساس "تقلید" انجام می‌پذیرد. محرکهای آغازین و پایدار تقلید نیز محرکهای صوتی است. به بیان دیگر "صداها" نقش اساسی در یادگیری و تکوین شخصیت، سازگاری عاطفی و اجتماعی و چگونگی کنشهای هوشی کودکان و نوجوانان دارد. لذا توجه به ظرفیت و قدرت شنوایی کودکان، بالاخص در دوره زندگی درون رحمی و چگونگی تأثیر صداهای مختلف بر رشد زیستی، روانی، ذهنی و حرکتی کودکان از

زمانی و چگونه کودک خود را برای یک زندگی فعال اجتماعی که اساس آن مهارت کلامی است، تربیت نمایند.

بدون تردید چگونگی تشکیل نطفه و حیات کودک قبل از تولد و مراحل رشد درون رحمی بیشترین نقش را در تکوین و شکل‌گیری شخصیت او دارد. لذا شایسته آن است که بیش از پیش به این مهم بیندیشیم و مراحل اولیه رشد و تحول جنین و ویژگیهای آن را بشناسیم و بشناسانیم.

مطالعات جدید در مورد بارداری و نحوه تولد نوزادان انسان و بعضی از حیوانات، حقایق تازه‌ای را برای محققان روشن می‌کند. مثلاً زمان تولد نوزاد گوسفند (که از نظر دوران بارداری شباهت زیادی به انسان دارد)، با علائمی از کنشهای مغزی مشخص می‌گردد، علائمی که زمینه ترشح هورمونهایی را فراهم می‌کنند که برای تولد نوزاد کاملاً ضروری است. به بیان دیگر زمان تولد به توسط جنین مشخص می‌شود و این مهم بر عهده مغز جنین است که تشخیص دهد چه زمانی اندامهای جنین برای زندگی خارج از رحم آمادگی دارند (مک دونالد و ناسانلز^۷ ۱۹۹۱).

همچنین یافته‌های تازه علمی این حقیقت را آشکار می‌سازد که مراحل تحول درون رحمی نوزاد منحصرراً در رشد زیستی و فیزیولوژیکی فرد خلاصه نمی‌شود. جنین همزمان با رشد جسمانی به تدریج صاحب حواس مختلفی شده، قادر می‌گردد که فرایند یادگیری را قبل از تولد آغاز نماید. به موازات رشد جنین، امواج مغزی متفاوت و متکامل می‌گردد و آماده کنشهای برتر می‌شود (انجل^۸ ۱۹۹۸). در اینجا به بعضی از کنشهای مغزی جنین که طی مطالعات و تجارب علمی به ویژه در دو دهه گذشته مورد توجه محققان مختلف قرار گرفته است، اشاره می‌شود.

کنشهای حرکتی

در نهمین هفته بارداری، جنین واکنشهای حرکتی

اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.



گوش داخلی جنین از ماه چهارم شکل می‌گیرد. و دستگاه شنوایی جنین بعد از چهارماهگی و بخصوص در سه ماهه آخر بارداری ماسد فعالیت خود را آغاز می‌کند (بیرن هولز و بناسرال ۱۹۸۳). نتایج تحقیقات انجام شده بیانگر این حقیقت است که جنین در حدود ۲۵ هفتگی زندگی رحمی خود در واکنش نسبت به صداهای مختلف به صورت ممتد پلک می‌زند، به گونه‌ای که فقدان چنین واکنشهای بصری (چشمک زدن) نسبت به صداهای مختلف از طرف جنین، خود می‌تواند نشانه‌ای از ضعف شنوایی نوزاد بعد از تولد باشد. همچنین تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که قسمت حلزونی گوش جنین در ۵ ماهگی بارداری بخوبی فعال می‌شود. (سادوسکی ۱۹۸۸ و مهلر ۱۹۹۵).

بنابراین شایسته است که کودکان، این ثمره پرپرکت زندگی مشترک را بخوبی بشناسیم، به ویژگیها و نیازهای ایشان آن گونه که سزاوار است واقف گردیم و همه تلاش و همت ما آن باشد که با پاسخگویی مطلوب به نیازهای زیستی - روانی و کنشهای ذهنی آنها از همان دوران زندگی جنینی، زمینه رشد متعادل و متعالی ایشان را فراهم نماییم. هرگاه عزم ما چنین باشد که به ثمره حیات، قره عین و چراغ زندگی مان بیندیشیم، در حقیقت خود از اولین کسانی خواهیم بود که از روشنایی وجود فرزندانمان بهره‌مند می‌شویم.

حفظ آرامش در محیط خانواده، گفت‌وگوی آرام و دلنشین همسران با یکدیگر، پرهیز از هرگونه تنشج و واکنشهای شدید هیجانی و اجتناب از خشونت و پرخاشگری، نفی افسردگی و گوشه‌نشینی، برخورداری از نشاط و سرزندگی که از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین عوامل مؤثر در رشد مطلوب کودک در مراحل مختلف تحول، به ویژه در دوران زندگی جنینی و سالیهای حساس پیش‌دستانی و دبستانی به شمار می‌آید، موجب برخورداری همسران از یک زندگی شاد و مولد و روابطی خوشایند نیز خواهد بود.

به دیگر سخن جنین در ۵ ماهگی زندگی درون رحمی واکنشهای محسوس نسبت به محرکهای صوتی نشان می‌دهد و در واقع بخش قابل توجهی از رشد ذهنی - روانی جنین نیز مربوط است به چگونگی دریافت محرکهای صوتی.

گروهی از پژوهشگران کنشهای مغزی جنین را در برابر اصواتی که در دوران زندگی درون رحمی می‌شنود، مورد بررسی قرار دادند. مثلاً متوجه شدند که جنین نسبت به صدای سمفونی پنجم بتهوون، واکنش روانی - عضلانی شدید نشان می‌دهد و در مقابل صداهای دلنشین و نوازشگر، احساس آرامش می‌کند. بچه‌ها گفت‌وگوهای والدین و اطرافیان را بعد از چهارماهگی زندگی درون رحمی بخوبی می‌شنوند و نسبت به آن واکنش احساسی و رفتاری نشان می‌دهند. محققان این صداها و واکنشهای جنین را نسبت به آنها ضبط کرده‌اند. همچنین بچه‌ها از همان ماههای آخر زندگی قبل از تولد خود با صدای مادر مانوس شده، نسبت به احساسات و حالات مادر حساس می‌شوند (تصویر پژوهشی "تولد یک مغز"، تهیه شده در کشور فرانسه).

آری، نوزادان با دنیایی از تجارب صوتی به دنیا می‌آیند و با آن زندگی می‌کنند. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، محرکهای صوتی و کلامی می‌تواند حیاتی‌ترین نقش را در چگونگی رشد و تحول کودک در زندگی درون رحمی و پس از آن داشته باشد.

در اینجا لازم است بار دیگر بر این حقیقت تأکید کنیم که همواره میزان و چگونگی ارتباط کلامی والدین بخصوص مادر، تأثیر قابل توجهی بر رشد هوش و سازش یافتگی عاطفی و روانی و اجتماعی کودکان و نوباوگان دارد. برعکس، در خانواده‌هایی که میزان ارتباط کلامی و گفت و شنود آرام و ثمربخش بین والدین و فرزندان بسیار ناچیز است، تأثیر این فقر کلامی - عاطفی را می‌توان در بروز برخی از رفتارهای سازش نایافته از قبیل اضطراب و کمرویی، گوشه‌گیری، خانه‌گریزی، بی‌اشتهایی تحصیلی، لجباجت، ستیزه‌جویی و پرخاشگری مشاهده کرد.

بنابراین با عنایت به این مهم که دستگاه شنوایی کودک از ماهها قبل از تولدش فعال است و محرکهای مطلوب کلامی تأثیر بسزایی بر روند تحول زیستی، روانی و شناختی وی دارد، شایسته و سزاوار است که والدین با ارتباط کلامی و عاطفی مستمر، ضمن ارضای یکی از اساسی‌ترین نیازهای فرزندان خود (نیاز شناختی - روانی)، زمینه رشد یهنجار و متعالی آنها را فراهم کنند و سلامت و بهداشت روان و مصونیت عاطفی ایشان را تضمین نمایند.

کودکان، این شکوفه‌های پربرکت شجره زندگی که بعد از ماهها انتظار مشتاقانه و شنیدن صداهای مختلف و صحبت‌های فراوان پدر و مادر و اطرافیان در شرایط و موقعیت‌های گوناگون پایه دنیای ما می‌گذارند، با توجه به اینکه از همان ماههای آخر زندگی جنینی، قادر می‌شوند کلمات و جملات مصنوعی را به زبان آورند و آرام آرام صحبت نمایند، همراه با نیاز همیشگی‌شان به شنیدن صداها و کلمات آرامبخش و تشویق‌آمیز والدین، اینک

بسیار دوست می‌دارند که پدر و مادر عزیزشان دقایق و یا ساعتی از روز را سرپا گوش باشند و حرفها و سخنان صمیمانه و صادقانه آنها را به دقت بشنوند. بچه‌ها تشنه این ارتباط زیبا، مؤثر و متقابل با والدین خود هستند و در حقیقت این‌گونه ارتباطات کلامی، مناسب‌ترین بستر را برای رشد مطلوب و شکوفایی استعدادها، خلاقیتها و نوآوریهای کودکان و نوجوانان مهیامی‌سازد.

مغز جنین و حافظه

زمانی که اذعان داریم جنین نسبت به محرکهای صوتی و کلامی واکنش نشان می‌دهد، بدون تردید این می‌تواند بدان معنا باشد که او بسیاری از صداها و آهنگ کلام و زمینه گفت‌وگوهای والدین را به حافظه خود می‌سپارد. به بیان دیگر والدین آگاه و هشیار می‌توانند با کلام آرامش‌بخش خود، صدای روح‌نواز و ملکوتی قرآن که کلام جاودان عرش است، طنین زیبای اذان، سرود لاله‌الاله که نویدگر رهایی و آزادی و الهام بخش معنا و امید و مایه اعتلای وجود انسان است، خواندن کتابهایی که از محتوایی مفید و خوشایند برخوردارند، هم صحبت شدن با انسانهای مؤمن و وارسته که کلامشان کلام حق و آرامش جان است و ... در بهداشت روان، سلامت جسم و رشد مطلوب جنین و هوشمندی و تقویت حافظه‌اش نقش بسیار مؤثری داشته باشند. بررسیهای انجام شده حاکی از آن است که مغز جنین اطلاعات قابل توجهی را در حافظه خود نگاه می‌دارد و کودکان زمانی که قادر می‌شوند اولین کلمات و جملات را به زبان آورند، همیشه سعی می‌کنند همان چیزهایی را بگویند که روزهای اول تولد و در دوران زندگی درون رحم شنیده و به خاطر سپرده‌اند.

یکی از محققان به نام آقای کیوشی^{۱۳} (۱۹۹۱)، در مطالعات خود در زمینه قدرت حافظه جنین و نوزاد، به این نتیجه رسید که وقتی کودکان تحت هیپنوتیزم قرار می‌گیرند و به خواب مصنوعی فرو

سازگاری قابل توجه نوزاد می‌گردد.

در ارتباط با حافظه، آقای "کیوشی" که تحقیقات وسیعی را در این زمینه انجام داده است، نمونه بسیار جالبی را ذکر می‌کند. یکی از دوستان ایشان که معلم موسیقی کودکان است برای وی چنین نقل می‌کند: "یکی از شاگردانم که دختر سه‌ساله‌ای بود، زمانی که نحوه استفاده از پیانو را آموخت، یک روز در حضور من و والدینش قطعه‌ای را نواخت که هرگز آن را نیاموخته و تمرین نکرده بود. بعد از تعجب فراوان من و والدین کودک، معلوم شد قطعه‌ای که او نواخته همان آهنگی است که مادر این کودک در دوران بارداری همیشه به آن گوش می‌داده و کودک از همان موقع آن را به حافظه خود سپرده است. در این ارتباط اطلاعات تجربی بسیار ارزنده‌ای وجود دارد. زمانی که مادری در دوران بارداری کتاب خاصی را مطالعه می‌نماید، فرزند این خانم سالها بعد از تولدش هنگامی که حسب اتفاق همین کتاب را به دست می‌گیرد و مطالعه می‌کند، احساس می‌کند که همه محتوای کتاب برایش آشناست و گویا همه مطالب را از پیش می‌داند. از همین رو بچه‌های آن دسته از مادرانی که در دوره بارداری برای جنین خود کتاب می‌خوانند، نسبت به "خواندن" و کتاب خوانی بطور اعم و مطالعه همان کتابهایی که محتوایش را در دوره جنینی به حافظه سپرده‌اند، بطور اخص فوق‌العاده علاقه‌مند می‌گردند. بنابراین شایسته است که برای اشاعه فرهنگ کتاب‌خوانی، از دوران زندگی جنینی فرزندان برنامه‌ریزی کنیم.

در اینجا لازم می‌دانم تجربه شخصی خود را نیز در مورد حافظه جنین و نوزاد برایتان نقل کنم. چندی پیش یکی از دوستان به من مراجعه کرد و اظهار داشت که چند روزی است فرزند برادر همسرش رفتار خاصی پیدا کرده و نسبت به درس و مدرسه بی‌توجه شده است. او بیشتر اوقات به گوشه‌ای می‌رود و به یک نوار صوتی بخصوصی گوش می‌دهد. با بررسی وضعیت این کودک ۱۲ ساله معلوم شد نواری که وی به آن بسیار علاقه‌مند



می‌روند، بعضاً می‌توانند وقایع و خاطرات زمان تولد خودشان را به یاد بیاورند و بازگو نمایند.

امروزه غالب محققان این رشته و بسیاری از مادرانی که تجربیاتی در این زمینه داشته‌اند، معتقدند نوزادانی که در زندگی درون رحمی به طور مستمر با نوای موسیقی و آهنگ خاصی آشنا شده‌اند، پس از تولد، هر زمان که آوای همان موسیقی و آهنگ را می‌شنوند خیلی زود آرام می‌گیرند و به آن گوش فرامی‌دهند، به گونه‌ای که گویی گمشده خود را یافته‌اند. بر همین اساس در برخی از کشورها، گروهی از مادران باردار بنا به توصیه محققان، برای سازگاری بهتر فرزندشان پس از تولد، در ماههای آخر بارداری، جنین را به شنیدن صدای آهنگ خاصی (موسیقی آرامی) عادت می‌دهند و همان آهنگ و یا نوای موسیقی را پس از تولد کودک پخش می‌کنند و این خود موجب آرامش و

شده و برای چند روز وابستگی شدیدی نسبت به آن نوار پیدا کرده است، مربوط به زمانی است که او تازه به دنیا آمده بود.

مسئله از این قرار بود که این کودک در مدرسه به عنوان عضوی از گروه سرود انتخاب می‌شود و مقرر می‌گردد که هریک از اعضای گروه سرود، یک عدد نوار کاست خالی به مدرسه ببرند و سرود را روی آن ضبط کنند تا در منزل براحتهی تمرین داشته باشند. خلاصه وقتی که این کودک از مادر تقاضای نوار خالی می‌کند، مادر او را به طرف آرشو نوازهای قدیمی موجود در انباری خانه هدایت می‌کند و این کودک با یک ضبط صوت کوچک به سراغ نوارهای قدیمی می‌رود، اما ساعتها آنجا می‌ماند و بیرون نمی‌آید. پس از اینکه والدین کودک متوجه غیبت طولانی کودک می‌شوند به سراغ او می‌روند و مشاهده می‌کنند که او مرتباً به یک نوار خاص گوش می‌دهد. این نوار همان نواری بود که زمانی پدر این کودک سرود لالایی را با صدای خودش در آن ضبط کرده بود و هنگام خواباندن کودک و تکان دادن گهواره آن را پخش می‌کرد و اینک بعد از حدود ۱۲ سال کودک احساس می‌کند که گمشده‌ای را پیدا کرده است. خلاصه کلام این است که حافظه روزهای اول زندگی کودک به گونه‌ای است که بعد از دوازده سال

پاورقیها:

- ۱ - فتبارک الله احسن الخالقین (سوره مؤمنون، آیه ۱۴)
- ۲ - و انکحوا الایمی منکم و الصالحین من عبادکم و اماتکم ... (سوره نور، آیه ۳۲)
- ۳ - ... و الطیبات للطیبین و الطیبون للطیبات ... (سوره نور، آیه ۲۶)
- ۴ - و الذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره‌اعین و اجعلنا للمتقین اماماً (سوره فرقان، آیه ۷۴)
- ۵ - سلامت جسمانی، بهداشت روانی، آرامش و سکینه خاطر و دوربودن زوجین از اندیشه اغیار، عصبانیت‌ها، خودمداریها، نگرانی‌ها و مطهر ساختن وجود به وضو و نماز و نیایش به درگاه خالق مهربان و طلب قره‌عین از درگاهش؛ در چگونگی شکل‌گیری نطفه و سلامت و تکوین شخصیت جنین بسیار مؤثر است.

5 - W.V. ENGEL

6 - McDONALD AND NATHANIELSZ

7 - ENGEL

- 8 - VALMAN - PEARSON
 9 - BIRNHOLZ AND BENACRALI
 10 - SADOVSKY
 11 - MEHLER
 12 - KIYOSHI

۱۳ - البته بعد از دو جلسه مشورتی و تنظیم برنامه‌های حمایتی، زمینه رفتار و زندگی عادی کودک فراهم شد.

14 - BRAZELTON

منابع و مأخذ:

- ۱ - قرآن
 ۲ - افروز، غلامعلی (۱۳۷۴). روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان. چاپ پنجم. انتشارات اولیاء و مربیان. تهران. خیابان طالقانی.
 ۳ - افروز، غلامعلی (۱۳۷۴). روشهای پرورش احساس مذهبی. چاپ ششم. انتشارات اولیاء و مربیان. تهران خیابان طالقانی.

4 - BIRNHOLZ, J.C. AND BENACERR, F (1983). THE DEVELOPMENT OF HUMAN FETAL HEARING. SCIENCE, 222,516 - 518

5 - ENGEL, W.VON (1995). THE PERCEPTION OF THE UNBORN. HOGREFE AND HUBER PUBLISHERS SEAHLE, TORONTO. BERN.

6 - ENGEL, W.VON (1988). THE IMPACT OF COVERT FACTORS IN CROSS - CULTURAL COMMUNICATION. TORONTO : C.J. HOGREFE

7 - KIYOSHI, O. (1991). MEMORY OF THE FETUS GENDAISHISO, (OCTOBER), 72 - 86

8 - MCDONALD, T. AND NATHANIELSZ (1991). BILATERAL DESTRUCTION OF THE FETAL PARAVENTRICULAR NUCLEI PROLONGS GESTATION IN SHEEP. AMREICAN JOURNAL OF OBSTETRICS AND GYNECOLOGY, 165, 764 - 770

9 - MEHLER, J. AND DUPOUX, E (1995). WHAT INFANTS KNOW, THE NEW COGNITIVE SCIENCE OF EARLY DEVELOPMENT. BLACKWELL, OXFORD.

10 - SADOVSKY, E. (1988) INCIDENCE OF SPONTANEUS AND EVOKED FETAL MOVEMENTS. GYNECOLIC AND OBSTETRIC INVESTIGATION, 21, 177 - 181

11 - VALMAN , H. AND PEARSON, J. (1980). WHAT THE FETUS FEELS. BRITISH MEDICAL JOURNAL, 280 (6209) , 233 - 234